

”

حالا و پس
از صدسال،
مهندس های
نفت دهه
هشتادی
دور دکل ها
چرخیدند. روی
قطعات را
خواندند و برای
اولین بار نفتی
را که با دست
هم وطنان شان
استخراج
می شد
بویدند.

مقدار مهمات و تجهیزات از رژیم گذشته باقی مانده بود ظرف سه سال جنگ از آن ها استفاده کردیم و تمام شدند. نمی توانستیم دست روی دست بگذاریم، پس خودمان تجهیزات نظامی را تولید کردیم. شاید باورتان نشود اما وقتی گلوله خمپاره را توی قبضه اسلحه می گذاشتیم نگران بودیم، از کارمان مطمئن نبودیم، تازه کار بودیم، ممکن بود گلوله توی اسلحه منفجر شود. زمانی هم که گلوله پرتاب می شد باز نگران تر بودیم که گلوله می رسد به دشمن یا روی سر بچه های خودمان منفجر می شود. ما در زمان جنگ در تجهیزات نظامی صفر مطلق بودیم اما در سال ۱۳۹۸، جمهوری اسلامی ایران، پهپاد آمریکایی را با سرعت نهصد کیلومتر در ارتفاع سی هزار پایی می زند. این ها را به این راحتی که می خواهیم از دست بدهیم به دست نیآورده ایم، حواسمان باشد. این ها را باید بدانیم، باید به همدیگر بگوییم. گلوله در سال ۱۳۶۰ در قبضه احتمال ترکیدنش بود اما در سال ۱۳۹۸ پهپاد در حال حرکت با سرعت نهصد کیلومتر می زند. در حفاری هم ما صفر مطلق بودیم، الان با اقتدار می گویم در منطقه مقام اول را داریم. چرا اول؟ نه آمراتی ها، نه عمانی ها، نه عراقی ها، نه کویتی ها خودشان نیستند، اما ما خودمانیم. من این حرف را به وزیر نفت عراق هم گفتم، تعجب کرد، گفتم ما چهل سال جلوییم، چون آن ها قدرت کنترل چاه ها را از شان گرفته اند، دست آمریکایی هاست اما امروز ملی حفاری ایران، حفاری می کند و تمام خدمات بیکارچه حفاری هم با خودش است.»

مدیرعامل صدایش را بلندتر کرد: «عمیق ترین چاه ایران را من طراح و ناظر بودم. می دانید چند متر بود؟ (بچه ها جواب های مختلف دادند، خندیدند، مدیرعامل جایزه پانصد هزار تومانی گذاشت، یکی از مهندس ها جواب نزدیکی داد) عمیق ترین چاه ایران را در سال ۱۳۷۲ در منطقه لالی زدیم که حدود پنج هزار و نهصد متر بود. (مهندس های دهه هشتادی دست زدند، چند نفر جایزه خواستند و مدیرعامل چشم گفت) تمام طراحی چاه، اجرای عملیات و بهره برداری اش توسط مهندسان و متخصصان ایرانی در حال انجام است و شرکت هم از لحاظ کمی و کیفی در خاورمیانه اول است. حدود ۱۱۰ دکل خشکی و ۱۰ دکل دریایی با هزاران متخصص و افراد مجرب از تبریز و خارک و کیش تا زاهدان در حال فعالیت هستند و این تنها بخشی از صعود چهل ساله است چون ما فقط در صنعت حفاری و نظامی رشد نکردیم بلکه در موضوعات مختلف رشد شد.»

دوربین ها را خاموش کردند اما ضبط گوشی من هنوز فعال بود، مهندس های دهه هشتادی برای گرفتن عکس یادگاری با مدیرعامل شرکت ملی حفاری ایران بدون هیچ تشریفاتی کنار هم ایستادند. مدیرعامل خندید: «درس بخوانید، مطالعه کنید. تاریخ بخوانید و ببینید چه از سر گذراندیم.» مهندس های دهه هشتادی قول دادند و عکاس هم آخرین عکس یادگاری اش از اردوی راهیان پیشرفت را گرفت تا تاریخ، چشم به راه جهاد اقتصادی و صنعتی مهندس های دهه هشتادی، دست زیر چانه بزند و به انتظار بنشیند، به انتظار ایرانی با اقتدار که خارگ لوی استعمار شود و افتخار جهاد علمی و فنی جوان دانشمند مسلمان ایرانی را به جهان نشان دهد، به امید آن روز که بسی نزدیک است.

